

ارسال: ۱۴۰۳/۱۲/۲۱

پذیرش: ۱۴۰۴/۳/۱

doi 10.22034/nf.2026.511788.1395

## بررسی سیکره بنیادکاربرد اسنادی صورت واژه‌های «هست»، «هستش» و «هس» در فارسی محاوره نوشتاری امروزی؛ استنباط رایج یا دستوری شدگی؟

سعیده میرترابی (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران)

فاطمه کلاترتی\* (دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران)

**چکیده:** این مقاله به بررسی کاربرد صورت‌واژه‌های فعل «هست» در نوشتار محاوره‌ای فارسی می‌پردازد و به‌ویژه بر معنای اسنادی غیرتأکیدی آن تمرکز دارد تا تحلیلی درباره دلایل رواج چشمگیر این کاربرد در نوشتار محاوره فارسی‌زبانان ارائه دهد. در این پژوهش، از پیکره محاوره -رسمی «پارس مپ»، که شامل بیش از ۵۰ هزار زوج‌جمله است، ۸۶۸ رخداد از صورت‌واژه‌های «هست»، «هستش» و «هس» به‌عنوان داده‌های پژوهش، استخراج شد. سپس، کاربردهای مختلف این فعل در زبان محاوره‌ای فارسی بررسی و دسته‌بندی شد. نتایج بررسی نشان می‌دهد که در فارسی محاوره‌ای نوشتاری صورت‌واژه‌های «هست»، «هستش» و «هس» در کاربردهای مختلفی، از جمله وجودی (به‌معنای وجود داشتن یا حضور داشتن) و اسنادی تأکیدی (به‌عنوان تأکید بر فعل «است»)، به کار می‌روند. همچنین، کاربرد سومی از این فعل در معنای اسنادی بدون تأکید نیز به‌طور گسترده مشاهده می‌شود که در الگوهای دستوری رایج قرار نمی‌گیرد، اما نشان‌دهنده تمایل زبانوران به استفاده از صورت‌واژه‌های فعل «هست» در این کاربرد است. این تغییرات می‌تواند به‌عنوان نمونه‌ای از روند دستوری‌شدگی فعل «بودن» و به‌ویژه صیغه سوم‌شخص مفرد «هست» تبیین شود. اصول دستوری‌شدگی، مانند لایه‌بندی و واگرایی و سازوکارهایی چون استنتاج کاربردشناختی و معنازدایی، در توضیح این پدیده مؤثرند. این فرایند نشان‌دهنده پویایی و انعطاف‌پذیری زبان فارسی در پاسخ به نیازهای ارتباطی زبانوران است.

**کلیدواژه‌ها:** پیکره‌بنیاد، «هست»، «است»، فارسی محاوره، فارسی محاوره نوشتاری، دستوری‌شدگی.

## ۱. مقدمه

فارسی محاوره، چه در نوشتار و چه در گفتار، واجد ویژگی‌هایی است که آن را از فارسی رسمی متمایز می‌کند. تفاوت‌های واژگانی و دستوری در فارسی محاوره، در قیاس با فارسی رسمی، از نظر نوع و بسامد، بسیار بیشتر است. یکی از تفاوت‌های فارسی محاوره و رسمی در کاربرد واژه «هست» است. در مطالعات پیشین، تعدادی از دستورنویسان و زبان‌شناسان به دو کاربرد فعل «هست» در معنای وجودی و نیز برای بیان تأکید در جملات اسنادی اشاره کرده‌اند. با این حال، در کاربرد روزمره این فعل شاهد رخداد آن در بافت‌های زبانی دیگری (کاربرد اسنادی بدون تأکید) نیز هستیم. از آنجاکه تاکنون هیچ مطالعه پیکره‌بنیادی برای توصیف این کاربرد خاص صورت‌واژه «هست» انجام نشده است، در این مطالعه تلاش کردیم تا با بررسی صورت‌واژه‌های «هست»، «هستش» و «هس»<sup>۱</sup> در پیکره محاوره-رسمی «پارس‌مپ»<sup>۲</sup> توصیفی از کاربرد این فعل در فارسی نوشتاری محاوره امروزی به دست دهیم.

در این مقاله، صرفاً یکی از دو صیغه زمان حال سوم‌شخص مفرد فعل «بودن»، یعنی «هست»، در فارسی محاوره نوشتاری امروزی و از طریق پیکره «پارس‌مپ» مورد بررسی قرار گرفته است. پس از بررسی رخدادهای «هست» در جفت محاوره جفت - جمله‌های این پیکره، به مقایسه انواع کاربردهای این صیغه از فعل «بودن» در فارسی محاوره نوشتاری می‌پردازیم و تلاش می‌کنیم تا با انجام بررسی پیکره‌بنیاد، به این سؤال پاسخ دهیم که استفاده از «هست» در کاربرد اسنادی غیرتأکیدی اشتباهی است رایج که زبانوران در فارسی محاوره مرتکب می‌شوند یا دلیل آن فرایند دستوری‌شدگی<sup>۳</sup> است.

## ۲. پیشینه

پیرامون مبحث فعل «بودن» و دسته‌بندی انواع آن به لحاظ دستوری و کاربردی مطالعات متعددی صورت گرفته است، از جمله ارژنگ (۱۳۷۴، ص ۵۶-۶۲) و فرشیدورد (۱۳۵۱، ص ۷۸۹). در مطالعه پیش رو، تنها به آن دسته از مطالعاتی اشاره می‌شود که به مقایسه «است» و «هست» پرداخته‌اند. احمدی گیوی (۱۳۵۱، ص ۴۳-۴۴) دو معنای ربطی و تام را برای فعل «بودن» در نظر می‌گیرد و با مثال «در خانه ما رونق اگر نیست صفا هست» معنی وجودی را برای هر دو فعل «نیست» و «هست» قائل می‌شود. به گفته شریعت (۱۳۶۷، ص ۱۱۵)، فعل «هست» تا زمانی فعل ربطی محسوب می‌شود که معنای مجردی نداشته باشد، اما اگر بتوانیم در جمله‌ای به جای «هست» «وجود دارد» بگذاریم،

۱. زین پس هر جا از «هست» در پیکره سخن بگوییم، مراد هر سه صورت‌واژه «هست»، «هستش» و «هس» است.

۲. پیکره محاوره-رسمی «پارس‌مپ»، تهیه‌شده در آزمایشگاه زبان طبیعی دانشگاه شهید بهشتی تهران.

3. grammaticalization

«هست» دیگر فعل ربطی نیست، بلکه فعل خاص یا تام است، مانند «در خانه همسایه ما برگ گلی هست»، یعنی «برگ گلی وجود دارد».

ناتل خانلری (۱۳۸۲، ص ۳۲۳-۳۲۴) میان دو کلمه «هست» و «است» از جهت ریشه و معنا تفاوتی قائل نمی‌شود، اما از جنبه معنایی، کاربرد این دو فعل را متفاوت می‌داند. به گفته وی، در کلمه «هست» نسبت به «است» تأکیدی وجود دارد و معتقد است «هست» هم مانند «است» رابطه را بیان می‌کند، با این تفاوت که در «است» تأکید بر اسناد، یعنی بر بیان رابطه، است و در «هست» تأکید و تکیه بر مسند. جباری (۱۳۸۲، ص ۲۲۰) نیز با در نظر گرفتن دست‌کم دو معنا برای فعل «بودن»، یعنی فعل ربطی یا فعل تام به معنای «وجود داشتن»، اعتقاد دارد که سوم شخص مفرد فعل «بودن»، به عنوان فعل ربطی، معمولاً «-(آ)ست» است، اما هرگاه مسند در جمله حضور نداشته باشد (جمله شماره ۱) یا واژه‌ای میان مسند و فعل حائل شود (جمله شماره ۲)، «-(آ)ست» الزاماً جای خود را به «هست» می‌دهد.

(۱) آیا جمشید دکتر است؟

\*بله ..... است.

بله هست.

(۲) \*جمشید شاعر هم است.

جمشید شاعر هم هست.

همچنین، به گفته وی، «-(آ)ست» ممکن است جای خود را جهت تأکید و به اختیار به «هست» دهد. جباری از دو معیار استفاده می‌کند تا فعل ربطی را از فعل وجودی متمایز کند. به نظر وی، «بودن» در صورت جابه‌جایی‌پذیری با «شدن»، فعلی است ربطی. وی، همچنین، برای بازشناسی «هست» از «است» از دستور ظرفیت<sup>۱</sup> استفاده می‌کند. به نظر او، افعال ربطی دوظرفیتی هستند (نهاد/ مسندالیه + مسند). مسند معمولاً یا گروه اسمی یا صفتی است، گاهی هم گروه حرف اضافه‌ای است (حسن در اندیشه است)، اما «هست» تک‌ظرفیتی است و تنها موضوع آن نهاد (فاعل دستوری) است.

وی، همچنین، بر این باور است که «هست» همواره معنای وجودی ندارد و برای تأکید هم به کار می‌رود. «است» در شرایطی استثنایی، اما قاعده‌مند، جای خود را به «هست» می‌دهد: «مگر او کی هست که به همه امر ونهی کند؟» به گفته وی، در این مثال «هست» را نمی‌توان جایگزینی برای «وجود دارد» دانست، بلکه «هست» صورت تأکیدی «است» است.

وی معتقد است فعل «است» هم می‌تواند در صورت نکره بودن گروه اسمی نهاد، وجود یک گروه حرف اضافه‌ای با «در» یا یک بند موصولی، معنای وجودی داشته باشد: «در شیراز مسجدی است که ۹۰۰ سال قدمت دارد؛ یکی درخت گل اندر میان مجلس ماست» (همان، ص ۲۲۱-۲۲۲).

به گفته شریفی و تابش فر (۱۳۹۷، ص ۲۸۶)، وجود مشخصه تأکید در «هست» و فقدان آن در «است» درست به نظر می‌رسد، اما در موارد محدودی «هست» به جای «است» به کار می‌رود. به گفته آنان، این موارد محدود زمانی به کار می‌روند که تأکید بر «رابطه» مد نظر است. در این نمونه‌ها، معنای نقشی «هست» از میان رفته است. آنان کاربرد صورت واژه‌بست این فعل را در هر دو مفهوم وجود داشتن و تأکید بر رابطه تأیید می‌کنند و این تغییر را نمونه‌ای از فرایند دستوری‌شدگی می‌دانند؛ یعنی «هست» به معنی «وجود داشتن» طی فرایند دستوری‌شدگی به عنصری برای بیان تأکید بر رابطه تبدیل شده است. باین حال، مثالی برای ادعایشان ارائه نمی‌کنند.

### ۳. چهارچوب نظری

در ادامه، توضیح مختصری درباره دستوری‌شدگی و پیکره بررسی شده در این مطالعه ارائه می‌شود.

#### دستوری‌شدگی

به نقل از نغزگوی کهن (۱۳۸۹)، دستوری‌شدگی فرایندی است که از رهگذر آن اجزای واژگانی نقش دستوری کسب می‌کنند یا اجزایی که خود ویژگی‌های دستوری دارند دستوری‌تر می‌شوند. با دستوری‌شدگی، خودمختاری اجزای زبانی هم از نظر صوری و هم از نظر معنایی کاهش می‌یابد. تغییر اجزای زبانی در این فرایند در مسیر خاصی صورت می‌گیرد. این مسیر را می‌توان با نموداری جهت‌دار به نام نمودار مرحله‌ای دستوری‌شدگی نشان داد:

جزء واژگانی آزاد ← کلمه نقشی ← واژه‌بست ← وند تصریفی (Hopper & Traugott 1993, p. 7).

وی، با ارجاع به هاپر (۱۹۹۱)، اصول حاکم بر دستوری‌شدگی را که به شناسایی این فرایند در مراحل آغازین کمک می‌کند چنین برمی‌شمارد:

**اصل لایه‌بندی:** وجود صورت‌های مختلف در زبان که ناظر بر یک نقش دستوری مشابه هستند؛

**اصل واگرایی یا انشقاق:** کاربرد صورت‌های مشابهی در واژگان برای یک صورت دستوری واحد؛

**اصل مقوله‌زدایی:** تبدیل مقوله‌های اصلی به مقوله‌های فرعی. مقوله‌های اصلی شامل اسم و فعل می‌شود. مقوله‌های فرعی دربرگیرنده حروف اضافه، حروف ربط، ضمایر، افعال کمکی و اشاری‌ها می‌شود. قیدها و صفت‌ها در جایگاه بینابینی قرار دارند؛

**اصل خاص‌شدگی:** محدودتر شدن کاربرد جزئی که دستوری شده است. به عبارت دیگر، جزء دستوری شده به صورت گزینشی عمل می‌کند؛

**اصل ثبات معنایی:** وجود رگه‌هایی از معناهای قاموسی اولیه یا نشانه‌هایی از محدودیت‌های دستوری اولیه در معنای جزء دستوری شده (نغزگوی کهن ۱۳۸۹، ص ۱۵۶).

نغزگوی کهن (۱۳۸۹)، همچنین، سازوکارهای حاکم بر روند دستوری‌شدگی را که مورد توافق زبان‌شناسان هستند از ویشر (۲۰۰۶) نقل می‌کند که در ادامه، به اختصار به معرفی آن‌ها می‌پردازیم:

**سازوکار استنتاج کاربردشناختی:** استنتاج‌های استعاری و مجازی که منجر به بازتحلیل نحوی می‌شوند و همراه با تغییرات معنایی رخ می‌دهند که خود حاصل ابداعات سخنگو و تعبیرهای ویژه شنونده است؛

**سازوکار معنادایی<sup>۱</sup> / تهی‌شدن از معنا<sup>۲</sup>:** از دست رفتن معنای اجزای واژگانی یا تعمیم معنایی آن‌ها؛  
**سازوکار بازتحلیل صرفی-نحوی<sup>۳</sup>:** نادیده گرفتن ساختار تاریخی و اولیه عبارات یا جملات توسط سخنگویان و قائل شدن به ساختار ثانویه و کاملاً متفاوتی برای آن‌ها، به طوری که یک عضو یا چند عضو از یک سازه به‌عنوان عضو سازه دیگری تلقی شود؛

**سازوکار قیاس:** تعمیم یا گسترش یک قاعده در نظام زبانی؛

**سازوکار سایش آوایی<sup>۴</sup> / تخفیف آوایی<sup>۵</sup>:** سایش یا تخفیف آوایی در آن دسته از اجزای دستوری که معنای واژگانی خود را از دست داده انتزاعی شده‌اند (نغزگوی کهن ۱۳۸۹، ص ۱۵۲-۱۶۱).

به باور نغزگوی کهن (۱۳۸۹، ص ۱۶۱)، ارزش اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی در شناسایی موارد دستوری‌شدگی یکسان نیست و شناخت این اصول بیش از شناخت سازوکارها می‌تواند در شناسایی موارد دستوری‌شدگی کمک نماید.

### پیکره محاوره - رسمی «پارس مپ»

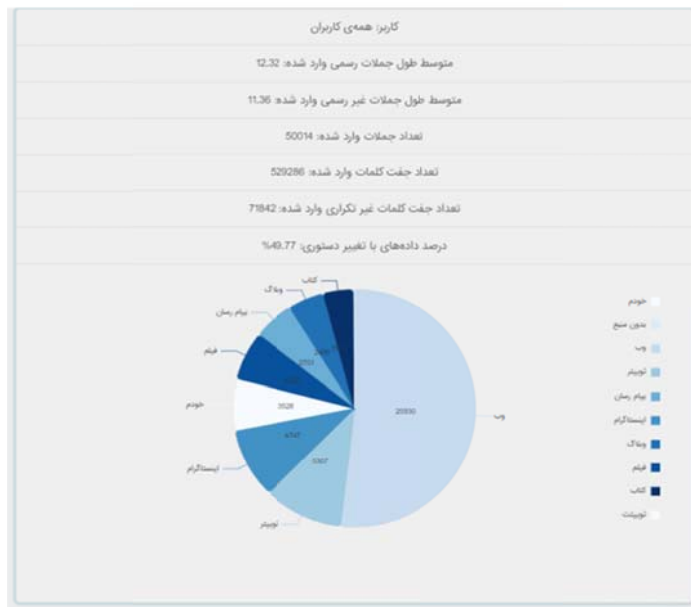
پیکره محاوره-رسمی «پارس مپ»، که از جملات آن در این مطالعه استفاده شد، با حمایت معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تهیه شده و شامل بیش از ۵۰ هزار زوج جمله محاوره-رسمی و هم‌ترازی کلمات معادل در آن‌ها است. در این پیکره، هر دو نوع تبدیل‌های واژگانی و نحوی در جملات استفاده شده لحاظ شده است. جملات محاوره‌ای این پیکره از منابعی چون شبکه‌های اجتماعی، مانند اینستاگرام و توییتر؛ پیام‌رسان‌ها، مانند تلگرام و واتس‌اپ؛ صفحات وب؛ وبلاگ‌ها؛ کتاب‌ها و نیز فیلم‌ها جمع‌آوری شده یا توسط خود داده‌آماها تولید شده‌اند. تولید این پیکره به صورت دستی انجام شده است (Tajalli et al. 2025).<sup>۶</sup>

نمودار (۱) اطلاعات و آماری درباره جزئیات این پیکره ارائه می‌دهد. تصویر (۱) نمایی است از محیط توسعه پیکره.

1. pragmatic inferencing  
4. morpho-syntactic reanalysis  
6. phonetic reduction

2. desemanticization  
5. phonetic attrition / erosion  
7. <https://sbu-nlp-lab-wsite.liara.run/>

3. semantic bleaching



نمودار ۱ اطلاعات و آمار درباره جزئیات پیکره «پارس‌مپ»

ردیف	جمله غیر رسمی	جمله رسمی	تعداد جفت کلمات	F <sup>2</sup> تاریخ	وضعیت	نام کاربری
1	برو بیستم بابا تو مریم	برو بیستم بابا تو مریم هستی	5	۱۹.۶۱۲۲.۲۴=۷۱۱	در انتظار تایید	kehad
2	حالا فلان در کلاسیم تا بیستم که بی میبندم	حالا فلان در کلاسیم تا بیستم تا بیستم که چه میبندم	9	۰=۱۱۹.۲۴=۷۱۵	تأیید شده	rahme.nesni
3	باید بعضی وقتها به چیزهایی رو برای تو کته ترازو بگذاری که کدوم به کدوم میچسبه	بعضی وقتها باید چیزهایی را در کفه ترازو بگذاری که بیسی کدام به کدام میچسبند	14	۳۳.۸۵۱.۲۴=۷۱۳	در انتظار تایید	af.nesni
4	تو همون بودی که میگفتن آقا پادشاه رفت مشغول با پادشاهان وقت مشغول با پادشاهان؟	تو همون بودی که میگفتن آقا پادشاه رفت مشغول با پادشاهان وقت مشغول با پادشاهان؟	10	۲۲.۰۲۵.۲۴=۷۱۳	تأیید شده	na.abbad
5	لطفه روحانی به لوتکسین میفرستون بینشون لذت میرسد	در لطفه روحانی لوتکسین میفرستند که اگر لطف را بیسی لذت میرود	6	۱۹.۴۱۵.۲۴=۷۱۳	در انتظار تایید	af.nesni
6	دوس جون بگو ایمن تا بیسم تا چنگاره ای	دوست جان بگو که ایمن تا بیسم چه کسی چنگاره هستند	9	۱۸.۵۵۲۲.۲۴=۷۱۳	تأیید شده	rahme.nesni
7	بازر بیسم بگویند معاصمیلو پیدا می‌کنم	بگذار بیسم که بقیه معاصمیلو را پیدا می‌کنم	6	۱۴.۵۵۳۲.۲۴=۷۱۳	در انتظار تایید	na.abbad
8	باید سینه که آیا تو موافقت‌هایی مشاهده فکر مشکلی می‌آید تو دختری؟	باید سینه که آیا در موافقت‌هایی مشاهده فکر مشکلی به ذهنش می‌آید	12	۱۴.۵۰۵۰۲۴=۷۱۳	در انتظار تایید	na.abbad
9	باید تشخیص سینه و ترکیب سینه	باید تشخیص سینه و ترکیب سینه	6	۱۳.۴۱۲۲.۲۴=۷۱۳	در انتظار تایید	na.abbad
10	اگر بیان نوشیدنی میبندم بینشون ولی خودم نمیکشون	اگر بیاورد نوشیدنی میبندم آنها را بندهم ولی خودم به آنها نمیکشیم	8	۱۳.۳۲۲.۲۴=۷۱۳	تأیید شده	na.abbad

تصویر ۱ نمایی از محیط توسعه پیکره «پارس‌مپ»

#### ۴. روش پژوهش و گردآوری داده‌ها

از مجموع ۵۰۰۱۳ زوج جمله موجود در پیکره، ۸۵۵ زوج جمله حاوی صورت‌واژه‌های «هست» استخراج و مطالعه شد. از این بین، برخی از زوج جمله‌ها حاوی بیش از یکی از صورت‌واژه‌های «هست» بودند که ممکن بود تقطیع‌پذیر (به علت خطای داده‌آمایان در تولید پیکره<sup>۱</sup>) یا تقطیع‌ناپذیر (به دلیل ساختار نحوی جملات) باشند. در نهایت، از آنجا که مبنای ارائه آمار و دسته‌بندی کاربرد این صورت‌واژه‌ها در پژوهش حاضر، نه تعداد جملات بلکه تعداد رخداد آن‌ها بود، پیکره مطابق با هدف پژوهش اصلاح شد و تعداد ۸۶۸ رخداد بررسی شد. تعداد رخداد این صورت‌واژه‌ها به تفکیک در جدول (۱) آمده است.

جدول ۱ فراوانی و فراوانی نسبی صورت‌واژه‌های فعل «هست» در پیکره پارس‌مپ

صورت‌واژه	هست	هستش <sup>۲</sup>	هس	مجموع
فراوانی	۶۵۸	۱۱۷	۹۳	۸۶۸
فراوانی نسبی (%)	۷۵/۸	۱۳/۴۸	۱۰/۷۱	۱۰۰

چنان‌که قابل مشاهده است، از مجموع ۸۶۸ رخداد صورت‌واژه‌های مورد بررسی، ۶۵۸ رخداد (۷۵/۸ درصد) مربوط به صورت‌واژه «هست» است، ۱۱۷ رخداد (۱۳/۴۸ درصد) متعلق به صورت‌واژه «هستش» و ۹۳ رخداد (۱۰/۷۱ درصد) متعلق به صورت‌واژه «هس» است. جملات (۳) تا (۵) مثال‌هایی از کاربرد این صورت‌واژه‌ها در پیکره هستند.

(۳) واقعا برام خسته کننده هست و نمیداره درس صحبت کنم<sup>۳</sup>. (واقعاً برایم خسته‌کننده است و نمی‌گذارد درست صحبت کنم.)

(۴) من عدد و رقمشو نمیدونم ولی این چیزیه که برای امسال هستش. (من عدد و رقمش را نمی‌دانم، ولی این چیزی است که برای امسال است.)

(۵) رفتم سونوگفتن ساک تشکیل شده و جنین توش هس و سالمه. (به سونوگرافی رفتم، گفتند ساک تشکیل شده است و جنین در آن هست و سالم است.)

هم‌زمان با بررسی یک‌به‌یک هر ۸۶۸ رخداد این صورت‌واژه‌ها در جفت‌محاوره، به دسته‌بندی‌ای از کاربردهای صورت‌واژه‌های «هست» دست یافتیم که در قسمت بعد به آن‌ها می‌پردازیم.

۱. خطاهای داده‌آمایان در تقطیع جملات و نیز خطاها در تبدیل داده محاوره به رسمی به مجری پروژه پیکره «پارس‌مپ» گزارش شد.  
 ۲. در یک مورد املاي این صورت‌واژه به صورت «هسته ش» نوشته شده بود که آن را نیز زیر دسته «هستش» لحاظ کردیم.  
 ۳. جملات مثال در سراسر این مقاله عیناً و به شکل ناویراسته اصلی از پیکره نقل شده‌اند.

## ۱. وجودی

در دسته اول، صورت‌واژه‌های «هست» در معنای «وجود داشتن» یا «حضور داشتن» به کار رفته‌اند. این جملات را می‌توان به راحتی و با جایگزین کردن فعل «وجود دارد» یا «حضور دارد» شناسایی کرد، مانند جمله (۶) که از پیکره انتخاب شده است:

(۶) این همه بچه هست که بی سرپرستن. (این همه بچه هست که بی سرپرست هستند.)

## ۲. اسنادی تأکیدی

در دسته دوم، این صورت‌واژه‌ها کاربرد اسنادی تأکیدی داشتند؛ به این معنا که فعل اسنادی «است» یا شکل محاوره‌ای نوشتاری آن یعنی «ه/ه»، به دلیل وجود عنصر تأکید در جمله به صورت تأکیدی، یعنی «هست»، ظاهر شده است. جمله (۷) که از پیکره انتخاب شده نمونه‌ای از این کاربرد است:

(۷) اعتماد ندارم بهش تازشم سیگاریم هس. (به او اعتماد ندارم، تازه سیگاری هم هست.)

## تأکید در زبان فارسی

پیش از ادامه این بحث، لازم است اشاره‌ای کوتاه به مبحث تأکید داشته باشیم. در زبان فارسی پژوهش‌های متعددی با موضوع تأکید و انواع آن انجام شده است، ولی از آنجاکه موضوع اصلی این مقاله نیست، صرفاً به طور گذرا، به کلیات این مبحث اشاره می‌کنیم. ابزارهای آوایی، صرفی و نحوی ابزارهایی هستند که به واسطه یکی یا چند تا از آن‌ها می‌توان تأکید را در زبان نشان داد. راسخ‌مهند (۱۳۸۴، ص ۷)، پس از بررسی انواع تأکید در فارسی، هر سه ابزار بیان تأکید را در این زبان شناسایی می‌کند. وی، همچنین، تأکید را در زبان فارسی به دو دسته تأکید اطلاعی (تأکید بی‌نشان) و تأکید تقابلی (تأکید نشان‌دار) تقسیم می‌کند. در این پژوهش، آنچه مد نظر نویسندگان است، نوع نشان‌دار یا نوع محدود تأکید است که به واسطه آرایش واژگانی و ساختار نحوی یا حضور واژه‌هایی خاص قابل شناسایی است. بنابراین، در اینجا از تأکید بی‌نشان یا گسترده، که شناسایی آن وابسته به بافت و تکیه جمله (نمایش آوایی) است، چشم می‌پوشیم.

## معیار تشخیص جملات اسنادی تأکیدی

جملات اسنادی تأکیدی، که حاوی فعل «هست» هستند، حتماً باید صورت اسنادی غیرتأکیدی نیز داشته باشند؛ یعنی در این جملات باید بتوان «هست» را (با حذف عنصر تأکیدافزا) به «است» تبدیل کرد، در غیر این صورت، کاربرد «هست» در آن جمله در معنای وجودی است. مثلاً، جمله (۷) را پس از حذف «هم»، که عنصر تأکید جمله است، می‌توان به شکل جمله (۸) بازنویسی کرد:

۸) به او اعتماد ندارم، تازه سیگاری است.

در مقابل، جمله (۹) را، که از پیکره انتخاب شده است، در نظر بگیرید:

۹) یه مسلمونی هست این سوالو برا من توضیح بده آیا؟! (آیا یک مسلمان هست که این سؤال را برای من توضیح بدهد؟!)

با جابه‌جایی فعل «هست» با «است» در جمله (۹) به صورت بدساختِ جمله (۱۰) می‌رسیم:

۱۰) \*آیا یک مسلمان است که این سؤال را برای من توضیح بدهد؟!

در حالی که جابه‌جایی این فعل با فعل «وجود دارد» منتهی به صورت خوش‌ساختِ جمله (۱۱) می‌شود:

۱۱) آیا یک مسلمان وجود دارد که این سؤال را برای من توضیح بدهد؟!

بنابراین، کاربرد «هست» در این جمله در معنای وجودی است و نه اسنادی تأکیدی. در ادامه، به ترتیب بسامد در پیکره مورد بررسی، به دسته‌بندی جملات حاوی «هست» تأکیدی می‌پردازیم.

### دسته‌بندی جملات حاوی «هست» تأکیدی

#### هم هست

توالی بلافصل دو واژه «هم» و «هست» در قالب الگویی حامل معنای تأکید پربسامدترین الگوی جملات حاوی «هست» تأکیدی در پیکره بود که البته، در بیشتر موارد (۳۲ رخداد)، شکل واژه‌بستی «هم»، یعنی «م»، استفاده شده بود.

۱۲) اعتماد ندارم بهش تازشم سیگاری م‌هس. (به او اعتماد ندارم، تازه سیگاری هم هست.)

البته، این الگو تنها برای نشان دادن تأکید استفاده نمی‌شود و در جملات دسته وجودی نیز این الگو دیده می‌شود، مانند جمله (۱۳):

۱۳) یه چیز دیگه هم هست که می‌خوام بهت بگم. (یک چیز دیگر هم هست که می‌خواهم به تو بگویم.)  
جباری (۱۳۸۲، ص ۲۲۶) نیز با ارائه مثالی مشابه معتقد است که هرگاه واژه‌ای میان مسند و فعل حائل شود، «(آ)ست» الزاماً جای خود را به «هست» می‌دهد.

#### حدود زمانی

برخی از صورت‌واژه‌های این فعل با عباراتی حاوی یک واحد زمان تقریبی مثل «۷-۸ روزی»، «دو ماهی»، «چند سالی» یا عباراتی نظیر «چند وقتی» یا «یه مدتی» همراه شده و همگی دارای «ی» نکره بودند و بر بازه دقیقی از زمان دلالت نداشتند. جمله (۱۴) نمونه‌ای از این جملات است.

(۱۴) من به مدتی هست که اشتها ندارم و هیچی نمیتونم بخورم. (من مدتی هست که اشتها ندارم و نمی‌توانم هیچ چیزی بخورم.)

#### عبارت‌های اصطلاحی

در پیکره مورد پژوهش، شاهد جملاتی بودیم که فعل «هست» در آن‌ها در قالب اصطلاحات رایجی نظیر «حواست هست»، «یادت هست» و «به مرگی/ چیزی ت هست» به کار رفته بود که همگی بار معنایی تأکید داشتند، نظیر جمله (۱۵) در زیر:

(۱۵) ممکنه بگید که ما از اینا استفاده میکنیم ولی حواسمون هست که تحت تاثیر قرار نگیریم. (ممکن است بگوئید که ما از این‌ها استفاده می‌کنیم، ولی حواسمان هست که تحت تأثیر قرار نگیریم.)

#### هر... (که) هست

تعدادی از جملات پیکره از الگوی «هر... (که) هست» پیروی می‌کردند که واژه «هست» در آن‌ها از نوع اسنادی و ساخت جمله حاوی تأکید بود. در جمله (۱۶)، نمونه‌ای از این جملات را مشاهده می‌کنید:

(۱۶) هرچی هست، من ازش بی‌خبرم. (هرچه هست، من از آن بی‌خبر هستم.)

#### تقابل

در برخی از جملاتی که واژه «هست» معنای تأکید به جمله افزوده بود شاهد حضور کلمات ربط «وگرنه»، «اما» و «ولی» بودیم که دارای بار معنایی تقابلی هستند. جمله (۱۷) نمونه‌ای از الگوی تقابل است:

(۱۷) درسته که ناپدریته اما بازم بالاخره شوهر مامانت که هست. (درست است که ناپدری‌ات است، اما بازهم بالاخره شوهر مامانت که هست.)

#### اصلاً + پرسش‌واژه + هست

حضور واژه «اصلاً»، در همراهی با یک پرسش‌واژه، الگوی دیگری بود که در برخی جملات پیکره به فعل «هست» معنای تأکیدی می‌افزود. جمله (۱۸) نمونه‌ای از این الگوست:

(۱۸) ... توی مخیلم نمیگنجید که اصلاً شوهر چی هست! (... در مخیله‌ام نمی‌گنجید که اصلاً شوهر چه هست!)

#### حذف در جملات هم‌پایه

الگوی دیگر جملات هم‌پایه‌ای بود که فعل یکی از دو جمله صیغه‌ای از فعل «بودن» بود و فعل جمله دیگر به شکل «هست» اسنادی تأکیدی ظاهر شده بود.

(۱۹) خیلی واسم سخت بود و هست که بدبختیشو ببینم. (خیلی برای من سخت بود و هست که بدبختی‌اش را ببینم.)

### انقدر (... هست که

در جملاتی که از این الگو پیروی می‌کردند حضور واژه «انقدر» در کنار «هست که» به جمله اسنادی معنای تأکید اضافه کرده بود.

۲۰) خودت بشین دو دوتا چارتا کن، ببین خوبیش انقدر هست که بدیاشو ندید بگیری. (خودت بنشین دودوتا چهارتا کن، ببین خوبی‌هایش آنقدر هست که بدی‌هایش را ندید بگیری؟)

در جدول (۲) فراوانی و فراوانی نسبی هرکدام از انواع الگوهای تأکیدافزا در جمله‌های اسنادی تأکیدی آمده است.

جدول ۲ فراوانی و فراوانی نسبی هرکدام از الگوهای تأکیدافزا در جملات اسنادی تأکیدی

الگو	هم هست	حدود زمانی	عبارت‌های اصطلاحی	هر... (که) هست	تقابل	اصلاً+ پرسش‌واژه+ هست	حذف در جملات هم‌پایه	انقدر (... هست که	مجموع
فراوانی	۴۸	۱۸	۱۴	۸	۳	۳	۳	۳	۱۰۰
فراوانی نسبی (%)	۴۸	۱۸	۱۴	۸	۳	۳	۳	۳	۱۰۰٪

همان‌طور که از جدول (۲) قابل‌برداشت است، از مجموع ۱۰۰ رخداد صورت‌واژه‌های «هست»، که در دسته «اسنادی تأکیدی» قرار می‌گیرند، بیشترین فراوانی برای دسته «هم هست» است با ۴۸ رخداد و فراوانی نسبی ۴۸ درصد. دسته دوم، به‌لحاظ فراوانی، دسته «حدود زمانی» است که فراوانی‌اش ۱۸ رخداد و فراوانی نسبی‌اش ۱۸ درصد است. دسته «عبارت‌های اصطلاحی» با فراوانی ۱۴ و فراوانی نسبی ۱۴ درصد در رتبه سوم و دسته «هر... (که) هست» با فراوانی ۸ و فراوانی نسبی ۸ درصد در رتبه چهارم قرار دارد. چهار دسته «تقابل»، «اصلاً+ پرسش‌واژه+ هست»، «حذف در جملات هم‌پایه» و «انقدر (... هست که» نیز همگی و هریک با فراوانی ۳ و فراوانی نسبی ۳ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند.

### ۳. اسنادی

نمونه دیگری از کاربرد «هست»، که انگیزه اصلی نگارندگان از بررسی پیکره بود، استفاده از صورت‌واژه‌های آن در کاربرد اسنادی و بدون تأکید است. این جملات نه‌تنها در هیچ‌یک از دسته‌بندی‌های بالا جای نمی‌گیرند، بلکه عناصر زبرزنجیری، مانند تکیه، نیز نمی‌تواند توجیه چنین

کاربردی از فعل «هست» باشد. مثال‌های زیر که از پیکره انتخاب شده‌اند شاهدهی از این ادعا هستند. در این جملات، مشخص است که «هست» به جای فعل اسنادی به کار رفته است و به نظر نمی‌رسد که زبان‌ور آن را برای تأکید انتخاب کرده باشد.

(۲۱) منم اسمم محمد هست. (من هم اسمم محمد است.)

(۲۲) برگهایی که موندن نیز دورشون قهوه‌ای هست. (برگهایی که مانده‌اند نیز دورشان قهوه‌ای است.)

(۲۳) سلین به دو رگه هست! (سلین یک دورگه است.)

#### ۴. چندخوانشی

حین بررسی جمله‌ها، با نمونه‌هایی نیز مواجه شدیم که تعیین نوع کاربرد «هست» در آن‌ها خارج از بافت و به علت نبود بازنمایی‌ای از عناصر زبرزنجیری در نوشتار، دشوار بود. این جملات را که هم می‌توانستند خوانش وجودی داشته باشند و هم خوانش اسنادی تأکیدی با عنوان جملات «چندخوانشی» مشخص کردیم. جمله‌های (۲۴) و (۲۵) نمونه‌هایی از این دسته هستند:

(۲۴) تو همون صفحه اصلی هست. (خوانش وجودی: در همان صفحه اصلی وجود دارد؛ خوانش اسنادی: آن در همان صفحه اصلی است.)

(۲۵) پسر دایی شونم هست. (خوانش وجودی: پسر دایی‌شان هم حضور دارد؛ معنی اسنادی تأکیدی: او پسر دایی‌شان هم هست.)

در جدول (۳) فراوانی و فراوانی نسبی هر کدام از این دسته‌ها مشخص شده است.

جدول ۳ فراوانی و فراوانی نسبی هر دسته از کارکردهای مختلف صورت‌واژه‌های فعل «هست»

کاربرد	اسنادی	وجودی	اسنادی تأکیدی	چندخوانشی	مجموع
فراوانی	۴۴۴	۳۱۴	۱۰۰	۱۰	۸۶۸
فراوانی نسبی (%)	۵۱/۱۵	۳۶/۱۷	۱۱/۵۲	۱/۱۵	۱۰۰

طبق جدول (۳)، بیشترین فراوانی کاربرد صورت‌واژه‌های «هست» مربوط به کاربرد اسنادی آن است با ۴۴۴ رخداد و فراوانی نسبی ۵۱/۱۵ درصد. پس از آن، کاربرد وجودی با ۳۱۴ رخداد و فراوانی نسبی ۳۶/۱۷ درصد مشاهده می‌شود. در ۱۰۰ رخداد و با فراوانی نسبی ۱۱/۵۲ درصد، کاربرد این صورت‌واژه‌ها اسنادی تأکیدی بود. در نهایت، تشخیص نوع خوانش در ۱۰ رخداد از این صورت‌واژه با فراوانی نسبی ۱/۱۵ درصد نیز مبهم بود که موجب قرارگیری آن‌ها در دسته چندخوانشی‌ها شد.

## ۵. تحلیل داده‌ها

از کل رخدادهای صورت‌واژه‌های «هست» تنها ۳۶/۱۷ درصد مربوط به جمله‌های دسته اول می‌شد، درحالی‌که بنا بر معنای قاموسی و اولیه این واژه انتظار می‌رفت بیشترین بسامد متعلق به جمله‌های این دسته باشد. سهم جمله‌های دسته دوم نیز ۱۱/۵۲ درصد از کل کاربرد این صورت‌واژه‌ها بود. نکته شایان توجه اما بسامد ۵۱/۱۵ درصدی جمله‌های دسته سوم بود که بیشتر از نیمی از رخدادهای صورت‌واژه‌های فعل «هست» را در کل پیکره مورد پژوهش به خود اختصاص داده بود، وضعیتی که لازم است چرایی آن تبیین شود.

شاید بتوان دلیل رواج چشمگیر کاربرد صورت‌واژه‌های «هست» را در پدیده دستوری‌شدگی ردیابی کرد. برای مبنا، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که فعل «هست» در زبان فارسی، علاوه بر معنای قاموسی خود (وجود داشتن)، کاربرد اسنادی بدون تأکید نیز پیدا کرده است. این امر را می‌توان با توجه به اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی تبیین کرد.

- اصل لایه‌بندی قائل بر وجود صورت‌های مختلفی در زبان است که ناظر بر یک نقش دستوری مشابه باشند. در نمونه مورد مطالعه نیز «هست» به‌طور کامل، جایگزین «است» نشده است، اما نقش دستوری مشابهی را ایفا می‌کند.
- طبق اصل واگرایی یا انشقاق، بعد از دستوری‌شدگی یک جزء واژگانی و تبدیل آن به یک فعل کمکی یا واژه‌بست یا یک وند، جزء واژگانی اولیه ممکن است به‌عنوان یک جزء واژگانی مستقل در زبان به حیات خود ادامه دهد. این اصل را در واژه «هست» نیز می‌توان مشاهده کرد به طوری که این فعل تام، علاوه بر معنای قاموسی خود (وجود داشتن)، کاربرد اسنادی بدون تأکید نیز پیدا کرده است.
- با توجه به تعریف سازوکار استنتاج کاربردشناختی، کاربرد «هست» اسنادی غیرتأکیدی کاربردی نامعمول و ابهام‌زاست که در برخی موارد می‌تواند منجر به تعبیرهای چندگانه در بافت شود، همچون موارد چندخوانشی شناسایی شده در این پژوهش.
- طبق سازوکار معنازدایی، فعل «هست» معنای وجودی خود را از دست داده و از معنای قاموسی خود تهی شده و حاوی معنای انتزاعی‌تر اسنادی شده است.
- و درنهایت و براساس سازوکار قیاس، «هست» به‌دلیل شباهت آوایی، به‌قیاس از «است»، که در کاربرد اسنادی تأکیدی «هست» نوشته و خوانده می‌شود، کارکرد اسنادی غیرتأکیدی پیدا کرده است.

در ادامه، به بحث و نتیجه‌گیری حول این یافته‌ها می‌پردازیم.

## ۶. بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش پیکره‌بنیاد، تلاش شد تا با بررسی داده‌های طبیعی موجود از نوشتار محاوره در زبان فارسی، که در پیکره «پارس‌مپ» جمع‌آوری شده است، تحلیلی درباره علت رواج چشمگیر کاربرد فعل «هست» در نوشتار محاوره فارسی‌زبانان ارائه شود. با بررسی پیکره و تحلیل داده‌ها، تقسیم‌بندی سه‌گانه‌ای از جمله‌های دارای «هست» به دست آمد:

- جملات با کاربرد وجودی که در آن‌ها «هست» قابل‌جابه‌جایی با فعل «وجود دارد» است؛
- جملات با کاربرد اسنادی تأکیدی که در آن‌ها «هست» قابل‌جابه‌جایی با «است» است؛
- جملات با کاربرد اسنادی غیرتأکیدی که در آن‌ها «هست» قابل‌جابه‌جایی با «وجود دارد» نیست و این جملات در هیچ‌یک از دسته‌های جملات تأکیدی قرار نمی‌گیرند.

با بررسی این دسته از جملات و انطباق شواهد موجود با اصول و سازوکارهای دستوری‌شدگی، شاهد نمود دو اصل لایه‌بندی و واگرایی و نیز برقراری سه سازوکار استنتاج کاربردشناختی، معنزدایی و نیز قیاس در کارکرد سوم این فعل بودیم. بنابراین، شاید بتوان کارکرد اسنادی «هست» را با چنین بسامد چشمگیری در فارسی محاوره نوشتاری دست‌کم مراحل از فرایند دستوری‌شدگی این جزء واژگانی و نشان‌دهنده پویایی و انعطاف‌پذیری زبان فارسی در پاسخ به نیازهای ارتباطی زبانوران دانست.

درنهایت، لازم است پیش از تعمیم نتایج این مطالعه به کل داده‌های زبان فارسی دو نکته را مد نظر قرار داد:

نخست اینکه انتخاب جملات موجود در پیکره مورد مطالعه، بنا بر اهداف آن پروژه، تصادفی نبوده است و داده‌آمایان باید جمله‌های حاوی دست‌کم چهار تغییر واژگانی را برای وارد کردن به پیکره انتخاب می‌کردند (Tajalli et al. 2022). بنابراین، تعداد زیادی از جمله‌های طبیعی زبان صرفاً به دلیل تغییرات بسیار پر بسامد، از جمله تبدیل فعل اسنادی به واژه‌بست اسنادی، کنار گذاشته شدند. دوم اینکه در پژوهش حاضر، از زاویه فعل «هست» در جفت محاوره زوج جمله‌ها به مسئله نگرینسته شده است، درحالی‌که شایسته است برای تعمیم نتایج، مسئله را از زاویه فعل اسنادی در جفت رسمی زوج جمله‌ها نیز دید و بررسی کرد که بسامد نسبی ظهور صورت‌واژه‌های فعل «هست» به جای فعل اسنادی در جفت محاوره چه میزان است.

## ۷. پیشنهادها

در این پژوهش، صرفاً به بررسی موارد استفاده از «هست» پرداخته شد. به نظر می‌رسد برای ارائه تحلیلی جامع‌تر، لازم است رخدادهای اسنادی فعل «است» در پیکره محاوره-رسمی بررسی شود. در این صورت، می‌توان نسبت رواج کاربرد اسنادی فعل «هست» را در فارسی محاوره نوشتاری با رواج فعل اسنادی «است» مقایسه کرد.

همچنین، در صورت دسترس بودن یک پیکره محاوره گفتاری، می‌توان این مطالعه را برای فارسی محاوره گفتاری نیز انجام داد.

از طرف دیگر، به نظر می‌رسد که در گفتار نیمه‌رسمی «هست» و «هستش» گاهی به استفاده از «ه/ه» اسنادی ترجیح داده می‌شوند، موضوعی که نیازمند بررسی است. علاوه‌براین‌ها، بررسی واژه‌بست «ش» و دلایل نحوی یا معنایی حضور آن در افعال «هستش» و «نیستش» و وجه تمایز آن‌ها با «هست» و «نیست» نیز می‌تواند قابل تأمل باشد.

## منابع

- احمدی گیوی، حسن (۱۳۵۱)، فعل‌های ربطی؛ فارسی سال اول، تهران، سازمان کتاب‌های درسی.  
ارژنگ، غلامرضا (۱۳۷۴)، دستور زبان فارسی امروز، تهران، قطره.  
جباری، محمدجعفر (۱۳۸۲)، «بودن»، «است»، «هست»؛ پژوهشی توصیفی-همزمانی، پژوهشنامه علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۷، ص ۲۱۵-۲۳۶.  
راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۴)، «بررسی انواع تأکید در زبان فارسی»، زبان و زبان‌شناسی، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان، ص ۵-۱۹.  
شریعت، محمدجواد (۱۳۶۷)، دستور زبان فارسی، تهران، اساطیر.  
شریفی، شهلا و لیلا تابش‌فر (۱۳۹۷)، «تکوین فعل است در زبان فارسی»، در نخستین همایش ملی تحقیقات ادبی با رویکرد مطالعات تطبیقی، تهران، دانشگاه علامه طباطبائی، ص ۲۷۵-۲۹۲.  
فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۱)، «فعل بودن و تحول آن در زبان فارسی»، وحید، شماره ۱۰۶، ص ۷۸۰-۷۸۹.  
ناتل خانلری، پرویز (۱۳۸۲)، تاریخ زبان فارسی، تهران، فرهنگ نشر نو.  
نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۸۹)، «چگونگی شناسایی موارد دستوری شدگی»، جستارهای زبانی، دوره ۱، شماره ۲، ص ۱۴۹-۱۶۵.

Hopper, P. J. (1991), "On Some Principles of Grammaticalization" In: *Approaches to Grammaticalization*, E. C. Traugott & B. Heine (Eds.), Vol.1, Amsterdam / Philadelphia, John Benjamins.

- & E. C. Traugott (1993), *Grammaticalization*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Tajalli, Vahideh and Fateme Kalantari, Mehrnoush Shamsfard (2025), *Developing an Informal-Formal Persian Corpus: Highlighting the Differences between Two Writing Styles*”, In *Proceedings of the 1st Workshop on NLP for Languages Using Arabic Script*, Abu Dhabi, UAE. Association for Computational Linguistics.
- Wischer, I. (2006), “Grammaticalization”, *Encyclopedia of Language and Linguistics*, Keith Brown (ed.) 2nd ed, Elsevier.

### References

#### Sources are in Persian unless otherwise specified.

- Ahmadi-Givi, Hassan (1972), *Copulative Verbs* (First Year Persian Book), Tehran, Sazman-e Ketabha-ye Darsi.
- Arzhang, Gholam-Reza (1995), *Contemporary Persian Grammar*, Tehran, Ghatreh.
- Farshidvard, Khosrow (1972), "The Verb 'Budan' (To Be) and Its Evolution in Persian Language", *Vahid*, No. 106, Allameh Tabataba'i University, pp. 780-789.
- Jabbari, Mohammad-J'afar (2003), "Budan, Ast, Hast: A Descriptive-Synchronic Study", *Pazhuheshnameh-ye Olum-e Ensani, Shahid Beheshti University*, No. 37, pp. 215–236.
- Naghzguy-Kohan, Mehrdad (2010), "How to Identify Grammaticalization Instances", *Jostarhay-e Zabani*, Vol. 1, No. 2, pp. 149-165.
- Natel-e Khanlari, Parviz (2003), *History of Persian Language*, Tehran, Farhang-e Nashr-e Now.
- Rasekh-Mahand, Mohammad (2005), "A Study of Emphasis Types in Persian Language", *Zaban va Zaban-shenasi*, Vol. 1, No. 1, pp. 5-19.
- Shari'at, Mohammad-Javad (1988), *Persian Grammar*, Tehran, Asatir.
- Sharifi, Shahla and Leila Tabeshfar, (2018), "The Formation of the Verb 'Ast' in Persian Language", *The First National Conference on Literary Research with a Comparative Studies Approach*, Tehran, Allameh Tabataba'i University, pp. 275-292.

